

به کارگران اسلامشهر،
باید توی دهن این کارفرمای دهن دریده می‌زدید!

صفحه ۳

سیاوش دانشور

پایان مبارزات زنان، پایان حکومت اسلامی!

صفحه ۴

ملکه عزتی

مقدسات نداریم

در حاشیه محاکمه نسرین شاکرمی مادر نیکا شاکرمی به اتهام
”توهین به مقدسات“

صفحه ۶

رحمان حسین زاده

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

علیه صدور حکم اعدام برای وریشه مرادی

صفحه ۸

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

ضرورت آتش بس فوری و پایدار در منطقه

صفحه ۹

قطعی های مکرر برق،

”هوای پاک“ یا جیب سپاه و دولت؟

صفحه ۱۰

سیاوش دانشور

در یک نگاه

بیعت کنندگان با ترامپ در اپوزیسیون راست پروغریبی

صفحه ۱۱

رحمان حسین زاده

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

۷۷۷

مصلحتی
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۲۵ تیر ۱۴۰۳ - ۱۵ آبان ۲۰۲۴

صدای رنج کارگر؛ نه یاس
و ناامیدی، که باید به
انفجار خشم علیه بانیان این
وضع تبدیل شود

یادداشت

رسانه های بستر اصلی و حامی حکومت هرچه تلاش کنند که همه چیز را عادی جلوه دهند، اما مدیای اجتماعی مکانی برای ابراز درد و رنج مردم وهمزمان بستری عمومی برای اعتراض و فوران خشم مردم علیه فقر و فلاکت و اختناق در جامعه تحت حاکمیت اوباشان اسلامی است. انگیزه این یادداشت شکایت یک کارگر در اینستاگرام از دستمزد ناچیز و فلاکتی است که به زندگی او و میلیونها کارگر هم طبقه ای او توسط حکومت انگل سرمایه داری اسلامی تحمیل شده و آرزوی مرگ می کند. ابتدا بشنوید از این کارگر جوان که زیر فقر و فلاکت کمرش خورد شده و می گوید بریدم، دیگر نمیتونم!.

من یک کارگرم، نه تروریستم و نه ضد انقلاب. من درد دارم. حقوقم با دخل و خرج نمیخونه. از فردای خود نامیدم. ولی من عاشق کشورم هستم. پایش بیفته من و کارگر های دیگر این کشور، که یک وجبش مال من و کارگران نیست، براش جان میدیم چون وطن پرستم. (وطنی که تو در آن جز بدبختی و مشقت سهمی نداری وطن تو نیست، به قول شاملو این وطن، هر گز وطن نمی‌شود). این کارگر با دلی پرآدامه می دهد و می گوید، ولی آقای پزشکيان

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



کارگران و مردم زحمتکش از جمله باز نشستگان و پرستاران باقی نگذاشته است. افسارمختلف جامعه از جمله زنان از فقر و فلاکت و اختناق اسلامی به تنگ آمده اند. و دولت پزشکیان همچون اسلاف خود، ناتوان از تامین معیشت مردم فقط به ابزارسرکوب برای ساکت کردن صدای اعتراض و نارضایتی مردم روی آورده و هر روز برای تحمیل فقر بیشتر به مردم نقشه می ریزند. و اکنون در شرایط جنگی اعدام و اختناق رانیز گسترش داده اند.

شرایطی که در ایران امروز حاکم است، اکثریت مردم کارگر و زحمتکش و زنان را در مقابل دوراهی قرار داده است. مردم در مقابل زورگویی، بی حقوقی مطلق، فقر و فلاکت سکوت نکرده و تسلیم این وضعیت نشده اند. نباید اجازه داد که جمهوری اسلامی اکثریت مردم را با خود به قعر جاه برد. باید علیه این وضعیت و برای پایان دادن به جهنمی که جمهوری اسلامی برای کارگران و اکثریت مردم ساخته است بر خاست انتخاب دیگر در مقابل جامعه قرار ندارد. تلاش و مبارزه برای بهبود و تغییر یکی از مشخصات بارز جامعه ایران است که در چند سال گذشته وطنی چندین خیزش انقلابی برای دگرگونی این ظرفیت را از خود نشان داده است نشان داده است



امروز جامعه ایران بیش از همیشه همزمان با وخامت اوضاع نیاز به تغییر دارد. در جامعه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ چشم اندازی برای تغییری ولو کوچک به نفع مردم وجود ندارد. جمهوری اسلامی بر بستر این همه نفرت و نارضایتی برای ادامه حیات انگلی خود به هر جنایتی دست می زند، حتی به قیمت نابودی جامعه. این مردمنده که باید اوضاع را به نفع خود تغییر دهند. خیزش انقلابی ۱۴۰۱ راه را نشان داد. این خیزشهای را با قدرت بیشتر و سازمانیافته باید تکرار کرد و جلو نابودی جامعه را گرفت.

راه چاره نجات از این شرایط مشقت بار، خودکشی و استیصال نیست. فردی نمیتوان به جنگ این جانپان رفت. جان کارگر برای سرمایه داران و دولت حامی آنان بی ارزش است. آنها دوست دارند به جای اعتراض و مبارزه جمعی، کارگران به استیصال و خودکشی کشیده شوند. مگر ندیدیم که ۵۲ کارگر در معدن زغال سنگ طبس، فقط به دلیل سهل انگاری کارفرمایان و عدم تامین ایمنی کار برای حفاظت از جان کارگران در محیط معدن جان خود را از دست دادند و برای تحویل جسد کارگران به خانواده هایشان پول دریافت کردند. طبقه کارگر و مردم زحمتکش که بیشترین بار این شرایط مشقت بار را بر دوش می کشند، سود تولید می کنند و خود از آن بی بهره اند، می توانند در صف مقدم این مبارزه برای تغییر اوضاع به نفع خود و سایر زحمتکشان متشکل و سازمانیافته به میدان بیایند و به این وضعیت پایان دهند. این اوضاع شایسته کارگران نیست. صدای رنج کارگر، نه یاس و ناامیدی که باید به انفجار خشم علیه بانیان این وضع تبدیل شود. سر دبیر

صدای رنج کارگر؛ به یاس و ناامیدی، که باید به انفجار خشم علیه بانیان این وضع تبدیل شود

تمام این مدت وعده و عید دادید به زبان کردی و ترکی گفتمی درست می کنم، ولی خبری ازت نیست! آقای وزیر محترم کار خودت می تونی با این چندرقاز زندگی بکنی؟ نماینده کارفرما نماینده کارگران وجدانتان کجا رفته؟ من یک پیشنهاد دارم، شما که ما را دوست ندارید و می خواهید از دست ما راحت شوید، بیاید همه ما را جمع کنید و به آب بریزید و از دست ما راحت شوید و کشور را هم برای خود شما بردارید که خیالتون راحت بشه. این کارگر تو سرش می زند که بریدیم، دیگر نمیتونیم!

شکایت این کارگر که در یک کارگاه کار می کند و به نظر میاد از حداقل قانون کار هم محروم است، تنها یک نمونه از هزاران نمونه از بی حقوقی و درد و رنج کارگران در ایران است که از زندگی در نظام استثمارگر حاکم بر ایران بیزار و به تنگ آمده اند. شرایطی که میلیونها کارگر را در موقعیت سخت معیشتی قرار داده و تا لبه پرتگاه نابودی سوق داده اند، این در شرایطی است که سرمایه داران و دولت کوچکترین اهمیتی به رفاه و زندگی کارگران قائل نیستند، اولی فقط در فکر سود و انباشت سرمایه از گرده کارگران و دومی فقط در فکر تولید موشک و وسایل جنگی و ریختن دسترنج همین مردم کارگر و زحمتکش به حلق نیروهای نیابتی، دزدی و فساد برای حفظ این نظام مذهبی سراپا گندیده و فاسد و دزد هستند. شرایط سخت معیشتی، ناامیدی از آینده ای تاریک تر، کارگران را تا مرز خودکشی سوق داده و روزانه شاهد خودکشی کارگر در محیط کاردقیقا به دلیل نداری و فقر و ناتوانی از عدم تامین امکانات ابتدایی زندگی برای خود و خانواده اش هستیم. شرایط زندگی برای کارگران که چیزی جز فروش نیروی کار برای تامین معاش ندارند، روز به روز سختتر و پر مشقتر می شود، شرایطی که این کارگر بر زبان می آورد.

اکنون در شرایط زیستی در ایران، از آنجایی که اکثر کارگران و زحمتکشان، برای تامین مایحتاج ضروری زندگی با توجه به افزایش رو به رشد و سرسام آور قیمت اجناس و تورم بالای ۵۰ درصدی هیچ چشم اندازی از طرف دولت سرمایه داران برای پر کردن فاصله میان مزد و هزینه زندگی وجود ندارد روز به روز شکاف طبقاتی عمیق و عمیقتر می شود. فقر و فلاکت در میان اکثریت کارگران و مردم زحمتکش پدیده جدیدی در ایران نیست، اما به یمن حاکمیت دولت سرمایه داری و مذهبی در ایران هرچه زمان می گذرد ابعاد و عمق آن گسترش می یابد و جامعه را با فروپاشی کامل روبرو می کند.

در مقابل این همه بی حقوقی و فلاکت، اختناق و سرکوب، خشم و انزجار اکثر کارگران، بازنشستگان، پرستاران و زنان است، که روزانه از دریاچه دهها اعتراض و اعتصاب بروز پیدا می کند و به جای ناامیدی و استیصال به جنگ به جانپان می روند. دستمزد پائین، فقر و گرانی و زندگی چند درجه زیر خط فقر و عدم جوابگویی دولت سرمایه داران، چاره ای جز گسترش اعتصاب و اعتراض در میان اکثریت



دفاع از حرمت و شخصیت کارگر از دفاع از دستمزد و حقوق بدیهی دیگر ما مهم تر است. کارگر و مبارزه کارگری تاریخاً منشأ حقوق و حرمت فردی و اجتماعی و تقابل با واپسگرایی فکری و فرهنگی بوده است. در ذهن جامعه، کارگر همان نیست که در ذهن فاسد کارفرمایان و دولتشان است. امروز تحقیر کارگر را عادی میکنند تا جایگاه کارگر بعنوان ناجی

جامعه را مخدوش کنند. وقتی به کارگران و زحمت‌کشان افغانستانی با پرچم ناسیونالیسم ایرانی تهاجم فاشیستی میکنند، راه را برای تحقیر عمومی تر طبقه کارگر هموار میکنند. حمله به آن حلقه باصطلاح ضعیف مقدمه حمله کشنده به کل طبقه کارگر است.

طبقه سرمایه دار ایران خلق و خوی دوران بربریت و برده داری را دارد و با کارگر بمثابه وسایل ارزان برای بیگاری و بردگی نگاه میکند و همین نگرش را از قرارداد کار و دستمزد و بیحقوقی مطلق تا زبان و فرهنگ و رفتار روزانه بنمایش میگذارد. به ما القا کردند که اگر قدرت اقتصادی و مالی نداریم لابد حرمت و شخصیت و حقوق هم نداریم و نباید داشته باشیم. کارگران نباید اجازه دهند این نوع حملات و بی حرمتی کارفرمایان "عادی" شود و بدون واکنش از کنار آن بگذرد. آن کارفرما حقیقتاً بود توسط کارگران به بیرون کارخانه هدایت میشد، کارگران آن واحد در اسلامشهر می بایست دست به تجمع و اعتصاب میزدند و کارفرما را وادار به پس گرفتن حرفش و عذرخواهی از کارگران میکردند. ما در قبال خود و جامعه مسئولیم و نباید خرد شدن حرمت و شخصیت مان را به نظاره بنشینیم.

۱۲ نوامبر ۲۰۲۴



**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود
مستقیم و مستمر کارگران است!
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر
نیازی برپا کنید!
جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!**

به کارگران اسلامشهر، باید توی دهن این کارفرمای دهن دریده می‌زدید! سیاوش دانشور

ویدئویی از یک محل کار در اسلامشهر در حومه تهران ویرال شده که کارفرما با لحنی ارباب منشانه و مملو از تحقیر به کارگران میگوید که "فردا اگر ریش داشته باشی در ورودی کارخانه جلویت را میگیرند و راحت نمیدهند، گفته باشم!" و کارگرانی که در منگنه فقر شدید و ترس از بیکاری و گرسنگی خود و خانواده شان هستند، با چهره ای غمزده، که انعکاسی از تاثیر مخرب زورگویی و تحقیر کارفرماست، فقط با سکوت نگاه میکنند و عکس العملی نشان نمیدهند.

این صحنه بغایت آزار دهنده است و بیانگر قطره ای از دریای تحقیر و بی حرمتی سرمایه داران و بچه آخوندها علیه کارگران شریفی است که ناچارند برای تامین مایحتاج ضروری زنده ماندن تن به هر شرایط کار، هر نوع کار و هر نوع اعمال فشار و بی حرمتی بدهند. "لغنت بر این زندگی!"

اگر "نفس مان از جای گرم بلند نشود"، در برخورد اول میگوییم خب ناچار به سکوت شدند، زیر فشارند و انتخاب زیادی به رویشان باز نیست، از بیکاری وحشت دارند. همه اینها در صورت ظاهر واقعی اند و هر فرد کارگر انواع مشکلات ویژه خانوادگی و غیره هم دارد که مجموعاً درجه ای احتیاط و تحمل حرف زور را تحمیل میکند. اما این جواب هنوز کافی نیست، با وجود واقعیاتی سرسخت در آن هنوز جوابی ناکافی و حتی مضر است. موضوع بسیار مهمتر است. کارگر منفرد و منزوی و فاقد تشکل البته قدرتی ندارد، برای همین است که ایجاد و فعالیت تشکل کارگری و حزب کارگری ممنوع است. برای این است که سازماندهی استثمار خشن نیروی کار ارزان و کسب سودهای نجومی مقدور شود و مانعی بر سر راه آن نباشد. اما همین کارگر، بعنوان یک طبقه اجتماعی که چرخ تولید نیازهای جامعه را میگرداند و زندگی را بازتولید میکند، اگر دست از کار بکشد و اعتصاب کند، همان کارفرمای دهن دریده و بی شرم را به "غلط کردم" می اندازد. سرمایه دار زالو پشتش به دستگاه سرکوب و دولت اسلامی حافظ منافع سرمایه دار گرم است و شلنگ تخته می اندازد!

هر کارگری هشیاری میداند و همه کارگران باید بدانند که کل جلال و جبروت قدرت سرمایه دار ساخت کارگر است، این قدرتی که بر سر ما حکم میراند محصول دستان و مغز خود ماست که حال چون موجودی بیرون ما بر طبقه ما و کل جامعه سلطنت میکند. ما اگر کار نکنیم کثافت از سر و رویشان بالا میرود، ما اگر ماشین ها را خاموش کنیم و قدرت جمعی مان بعنوان کارگر را بمیدان بکشیم، آنگاه هر تک کارگر با سر افراشته حقیقت را میخواهد، در آن صورت کارگران میگفتند کارفرما غلط میکند در امور شخصی ما دخالت کند، بیجا میکند به خود اجازه میدهد با ما چون بردگان عهد عتیق صحبت کند، آنوقت خواهان بیرون کردن کارفرما از کارخانه میشدیم.

رفقای کارگر، کارگران اسلامشهر!

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

پایان مبارزات زنان، پایان حکومت اسلامی!

ملکه عزتی

این روزها فضای جامعه ایران آنچنان ملتهب است که امکان اینکه همه وقایع و فجایعی را که در سطح جامعه رخ می‌دهد یک جا و منظم دنبال کرد وجود ندارد. اما در میان همه اتفاقات، سرکوب‌ها و هتک حرمت‌ها اخبار مربوط به اعتراضات زنان در صدر خبرها قرار دارند. انعکاس این اعتراضات چه به شکل فردی و چه در بعد اجتماعی در حکومتی که به طور سیستماتیک تلاش کرده حضور زنان را از صحن علنی جامعه پاک کند قابل تعمق است. حکومتی که از ابتدای قدرت‌گیری هویت خود را با زن‌ستیزی تعریف کرد اکنون در مصافی رودررو با زنان معترضی قرار دارد که قصد کوتاه‌آمدن ندارند.

تسلیم‌ناپذیری و ایستادگی در برابر خشونت و زن‌ستیزی موجود در قوانینی که سال‌ها مدعی بود حجاب اسلامی و تسلیم در مقابل قوانین مذهبی انتخاب خود زنان است.

از خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و حضور انکارناپذیر زنان در رهبری این خیزش بطور واقعی در ایجاد روحیه بالای مبارزاتی، پافشاری بر مطالبات و سازش‌ناپذیری در مقابل قوانین نابرابر و ضد زن، پرت کردن حجاب و مقاومت در مقابل دخالت در زندگی شخصی تأثیر بسزایی داشته. بارها گفته شده زنان به موقعیت قبل از ۱۴۰۱ برنخواهند گشت و بطور واقعی هم برنگشته‌اند.

هم‌زمان با این تغییر و تحول در فضای جامعه و تداوم اعتراضات زنان، کارگران، معلمین و بازنشستگان، جمهوری اسلامی هم از همان روزهایی که اعتراضات خیابانی فروکش کرد با حمله به مدارس دخترانه، بازداشت معترضین، احکام وحشیانه اعدام فعالین و زندانیان سیاسی به مقابله برخاست.

همان‌طور که سرکوب‌ها خشن‌تر و تندتر می‌شود اعتراضات هم شکل جدیدتری به خود گرفته طوری که امروز جمهوری اسلامی بیشتر از همیشه سردرگم و دستپاچه است. روزی که آهو دریایی در اعتراض به ایجاد مزاحمت حراست دانشگاه علوم تحقیقات لباس‌هایش را از تن درآورد ابتدا دستگاه سرکوب حکومت در شوک این اقدام اعتراضی بود. مأمورین سرکوب برای آنکه قافیه را نوازند بلافاصله با مهر عدم تعادل روانی و اعتراف‌گیری از همسر وی این زن معترض را به‌جای نامعلومی منتقل کردند هنوز هم خبری از آهو دریایی نیست. اما آچمز شدن حکومت در مقابل بدن عربان آهو را می‌شود از اظهارات سخنگوهای قدونیم‌قد دولت دید، یکی مدعی است در صدد درمان آهو هستند و برای اینکار هر آنچه بتوانند انجام می‌دهند و یکی دیگری می‌خواهد با بررسی پرونده دانشجویی آهو کشف کند که او اساساً از اختلالات روانی رنج می‌برده و مقصر دانشگاه است که اقدام درمانی را در دستور نگذاشته. اعتراض آهو اما ابعاد جهانی پیدا کرد. در قوانین ارتجاعی که حتی موجودیت زن تابو است، اعتراض آهو انعکاس دفاع از حریم شخصی زنان به کل دنیا بود. روشنگر مولایی زن شجاعی که با درگیر شدن با سرباز

موتورسواری که قصد آزار وی را داشت نشانه دیگری از ایستادگی و عدم سکوت و پذیرش نقش قربانی است. روشنگر با تنبیه این سرباز مزاحم مانع شد که وی به مزاحمتش ادامه دهد، سرباز فرار را برقرار ترجیح داد.

اینها تنها نمونه‌های معدودی از زنانی هستند که قصد برهم‌زدن نظم

موجود را دارند. نظمی که زن در بهترین حالت در نقش مادری فداکار و همسری نجیب و سربه‌زیر تعریف می‌شود. روشنگر این تعبیر ضد زن را به زباله‌دانی انداخت و باادب کردن سرباز مزاحم صحنه دیگری از نپذیرفتن و نه گفتن را آفرید و امروز اطلاع از سرنوشت روشنگر به یک خواست همگانی جامعه تبدیل شده. این اعتراضات و ایستادگی‌ها نماد مقاومت و اعتراضی است که حکومت زن‌ستیز اسلامی از آن وحشت دارد. امروز دست‌وپازدن‌های جمهوری اسلامی برای برگردان حجاب و سکوت زنان در مقابل تعرض و تحقیر تلاش بی‌ثمری است که محکوم به شکست است. برای تحمیل فرودستی زنان دست به اقدام به‌شدت چندان‌آور تأسیس "کلینیک‌های ترک حجاب" زده‌اند! این حرکت اقدام مشمئزکننده تنها از دین و باور بیماری برمیآید که امروز هم‌زمان جمهوری اسلامی و حکومت طالبان در افغانستان نماینده این باورهای بیمار در خاورمیانه هستند. طالبان با تصویب قانون ضدانسانی "زنان فقط با زنان حق حرف‌زدن دارند" رتبه اول را صاحب است!

امروز شرایط طوری شده که زنان زندانی در شکنجه‌گاه اوین هم علی‌رغم فشارهای روانی و جسمی در مقابل اعدام و قتل عمد دولتی یک روز در هفته دست به اعتراض می‌زنند. فریادهای اعتراضی و سرودهای انقلابی این زنان شجاع شکنجه‌گران اوین را به ستوه آورده. آنها نه با قطع ملاقات و نه باز کردن پرونده‌های جدید و احکام دیگر دست از اعتراض نکشیدند. خیلی ساده و روشن جمهوری اسلامی با کل سیستم مخوف امنیتی و اراذل‌واوباش ریزودرشت خود در مقابل حضور پررنگ زنان در حرکت‌های اعتراضی علیه حکومت دستپاچه و پا در گل مانده.

روی دیگر زن آزاری؛ اما هنوز در گوشه‌وکنار جامعه در گشت‌وگذار است و جان جوانان را می‌گیرد. مدارس و محیط‌های آموزشی که بنا به تعریف باید مکانی برای رشد و شکوفایی جوانان و نوجوانان باشد در جمهوری اسلامی به قتلگاه جان‌های شیفته‌ای تبدیل شده که در زیر فشار سرکوب و تحقیر می‌شکنند و تاب نمی‌آورند. ایناز کریمی، آرزو خاوری، دنیا فرهادی و نام‌های دیگری که به بیرون درز پیدا نکرده تنها مواردی از قتل‌صدها نوجوانی است که در مقابل خشونت و وحشیگری در محیط آموزشی دست به خودکشی زدند. برخورد وحشیانه مسئولین آموزشی در مدارس، سخت‌گیری خانواده باتکیه بر سنت‌های پوسیده و فرهنگ ضد زن با پشتیبانی قوانینی صورت می‌گیرد که زن صاحب هیچ حقوق انسانی نه در زندگی شخصی و نه در عرصه اجتماعی نیست. اخراج از مدرسه به‌خاطر آرایش و لاک ناخن! تحقیر و توهین بخاطر خروج بی‌اطلاع از مدرسه، یا پوششی که به قول آنها "مغایر با شئون اسلامی" داست تنها گوشه‌ای از نحوه نگاه عقب‌مانده به زنان است که روزانه فاجعه می‌آفریند. اما این خودکشی‌های آنی را تنها با خودکشی از سر استیصال نباید جواب بگیرد. جمهوری

ترفند کثیف واداشتن دختران نوجوان به خودکشی و نه شکنجه و آزار در زندان مانع اوج گیری رنسانس رهایی زنان از زنجیر دین و قوانین ضد زن نمی شود.

این روند واقعی مبارزه و اعتراضی است که پایان آن پایان حکومت اسلامی و سران ریزودرشت آن خواهد بود.

ملکه عزتی

۱۴ نوامبر ۲۰۲۴



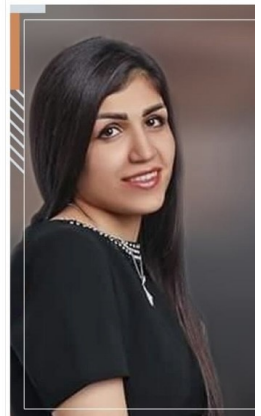
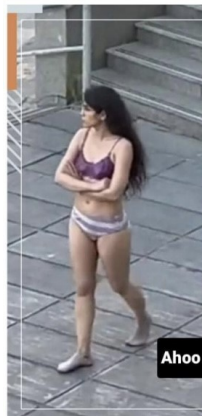
پایان مبارزات زنان، پایان حکومت اسلامی!

ملکه عزتی

اسلامی اینجا هم انگشت اتهام را باید مستقیماً روبه جمهوری اسلامی نشانه گرفت. بطور واقعی این موارد را هم باید در کنار قتل عمد حکومتی قرارداد که نتیجه تنگ کردن عرصه بر انسان هاست. فاجعه مرگ دختران نوجوان به دلیل خودکشی فرقی با صدور حکم اعدام زندانیان ندارد. قوانین وحشیانه حکومتی سرکوبگر که برون رفت آن در زندان و خارج از زندان مرگ است و نابودی.

در زندان اجرای حکم به عهده جلادان حکومت است و در بیرون زندان با انسان هایی که با اعمال و رفتار خود جوانان را به سوی خودکشی سوق می دهند. در هر دو مورد مسبب اصلی نکبتی به نام حکومت اسلامی است.

حکومتی که در تلاش برای ممانعت از حضور دختران در مدرسه با استفاده گاز شیمیایی باعث مسمومیت دختران دانش آموز شد و جامعه را در مقابل خود دید اکنون روش دیگری برای سرکوب پیدا کرده، آزار کلامی و فیزیکی تاحدی که خودکشی به یک "انتخاب" منجر شود. اما سران حکومت و زن آزارانی که در خیابان و مدرسه و چهاردیواری خانه در پی به تسلیم واداشتن زنان هستند باید بدانند نه



مبارزه با مذهب

دروغ تحویل مردم می دهند. مردم را میترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است .

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودیست، قبل از اینکه مجموعه ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات میگیرد، پول می گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلامی میشود را کنار هم بگذارید میبینید با ثروت بزرگترین کمپانی های بین المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می کنند محصولش را بفروشند. سعی می کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می کند مصرف کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه ای که می خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست .

این یک صنعت عظیم خرافه پر اکنی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است .

و اگر شما یک جامعه آزاد می خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باند های مواد مخدر مقابله میکنید. همانطور که با کمپانی های سودجویی مقابله میکنید که میزدند و میبرند و جای خودشان ویرانه بجا میگذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونست هفتگی شماره ۳۶۸. در باره مبارزه با مذهب (صفحه ۱۰)

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

مقدسات نداریم

در حاشیه محاکمه نسرین شاکرمی مادر نیکا شاکرمی به اتهام "توهین به مقدسات"

رحمان حسین زاده



را به انسان عرضه می کنند و به او می آموزند که شما "متفاوتی" چون مذهب و ملیت شما متفاوت است. شما "روسی" یا "آمریکایی و چینی" شما "فارس" یا "کرد" و "ترک" و یا "شیعه" و "سنی" و "کاتولیک" و "یهودی و بودایی" و ... هستی! از تکلم به زبانهای مختلف آلمانی و فرانسوی و انگلیسی و اسپانیایی و فارسی و یا

کردی و ترکی و عربی و ... ، پرچم سیاسی میسازند. در مقابل این هویت سازی دست ساز و دلخواهی بحث ما کمونیست ها این است که اشاعه هویت‌های مذهبی و قومی و جعلی یک معضل اساسی و بیگانگی و دوری انسانها از هم را شکل میدهد. این مفاهیم را بعنوان "مقدسات" به جامعه ارائه می کنند، مشکلات اجتماعی و سیاسی جدی بر جوامع تحمیل میکنند. بر این اساس "مرز و آب و خاک و شاه و شیخ و آخوند و رهبر و قانون و شرع و مقررات مقدس" میسازند. انسانیت بیدار شده و آگاه مبتکرانه و با ابتکار انقلابی لازمست به این روند خرافی ارتجاعی پایان دهد.

در ایران طی حاکمیت قرون وسطایی جمهوری اسلامی "مقدسات تراشی مذهبی"، بر اساس آن قوانین و موازین عصر حجری ۱۴۰۰ ساله و بیدادگاههای مسئول انسان کشی و نسل کشی و اعدام و تحمیل شکنجه و زندان مقدس نامیده میشوند. اعتراض به جلا دادن و جانورانی مثل خمینی و خامنه ای توهین به "مقدسات" است. محاکمه نسرین شاکرمی مادر جانباخته ی جسور نیکا شاکرمی نمونه دیگری از توجیه اعمال جنایتکارانه این رژیم سفاک است.

مرتجعین میگویند این "مقدسات" و دسته بندیهای "مقدس مذهبی و قومی و جنسیتی داده طبیعی جامعه و تفرقه و کینه و نفرت بخش لاینفک این دسته بندیهای "مقدس" است. اینها چرند میگویند. در رد این وارونه گویی مثالی بیاورم. به خوبی بیاد دارم در مقطع سرنگونی حکومت سلطنتی و انقلاب ۵۷ هجری قومی و هویت ملی به اندازه حال حاضر برجسته نبود. مردم در ایران خود را بیشتر هم سرنوشت و همگرا و نزدیک به هم می دانستند. بیش از یکسال جمهوری اسلامی هنوز کنترل لازم برکل جامعه نداشت. فرصت برای بالا گرفتن جنگ و جدال مردم منتسب به "ملیتها و مذاهب مختلف و جناحهای مختلف با توجیه "مقدسات" متفاوتشان وجود داشت. اما آنچه شاهد آن بودیم اساساً همگرایی و همبستگی بود. در جامعه کردستان که جنبش انقلابی قدرتمند شکل گرفت، اساساً نه راه تفرقه بلکه همسرنوشتی و در سطح جامعه ایران به "سنگر انقلاب" همه مردم ایران نام گرفت. اما جمهوری اسلامی و تفرقه اندازان مذهبی و ملی و قومی و "مقدس تراشان" در چهار دهه اخیر "مقدسات" ملی مذهبی و شکافها را تشدید کردند. هویت ها و مقدسات کاذب را گسترش دادند و بر گردن مردم آویختند و این چاشنی کشمکش و جدالهای نگران کننده بعدی است.

شرع و قوانین و دادگاه سراپا ارتجاعی جمهوری و خمینی و خامنه ای و حسین بن علی و صدها مناسک مذهبی و ضد انسانی همچون پتک "مقدسات" حکومت انسان کش بر بالای سر مردم عمل میکنند. در این بساط خرافی برای عده ای هویت مذهبی و متعلقاتش "مقدس" و دیگری هویت ملی و خاک و سرزمین و محدوده جغرافیایی که در آن زندگی می کند. در چهارچوب این هویت‌های خرافی

خبر اینست "که اولین جلسه رسیدگی به اتهامات نسرین شاکرمی، مادر نیکا شاکرمی محبوس در زندان خرم‌آباد، یکشنبه ۲۰ آبان، به صورت ویدیو کنفرانس در دادگاه کیفری دو این شهرستان برگزار شد. بنا بر گزارش هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در جریان این جلسه نسرین شاکرمی از بابت اتهامات "توهین به مقدسات و نشر اکاذیب" به قصد تشویش اذهان عمومی، به دفاع از خود پرداخت هم‌چنین علی‌امیدی، وکیل نسرین شاکرمی افزود: بخش دیگری از پرونده نسرین شاکرمی از بابت اتهامات "فعالیت تبلیغی علیه نظام، تحریک مردم به جنگ و کشتار، توهین به رهبری و توهین به خمینی" در روزهای آتی در دادگاه انقلاب برگزار خواهد شد.

اتهام اصلی علیه نسرین شاکرمی "توهین به مقدسات" است. در رد خرافه "مقدسات" قبلاً مطلبی نوشتم که اکنون آپدیت شده آن را ارائه میکنم. نه تنها در حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بلکه در دنیای تحت سیطره نظم و وارونه سرمایه داری "مقدسات" و "احترام به مقدسات" ابزاری علیه ابراز وجود آزادانه انسانها در ظرفیت فردی و جمعی است. "مقدسات تراشی" نه صرفاً زاده "ایدئولوژی و عقاید آسمانی یا زمینی" بلکه متکی به منفعت طبیعی طبقات استثمارگر در هر مقطع تاریخی و در دنیای معاصر در خدمت منفعت کاپیتالیسم که اساساً متکی به هویت سازی وارونه و جعلی مذهبی، ملی، نژادی، جنسی و عشیره ای و یا نمادها و چهره ها و سوژه های خرافی و دست ساز است. نظم حاکم سرمایه داری به تفرقه در صفوف طبقه کارگر و صفوف مردم آزادیخواه نیازمند است. ابزار ایجاد این تفرقه ها در تمام دنیا بیش از هر عامل دیگری، ابتدا تفرقه مذهبی و ملی و قومی و جنسیتی و سیاستها و نمادهای برگرفته از این خرافات است. نظم حاکم به ویژه هویت مذهبی و هویت ملی و قومی را ساخته و می تراشد و آنرا به خورد مردم می دهند که زمینه ای برای پراکندگی و دشمنی ایجاد کنند. هیچ یک از شهروندان جامعه با هویت ملی و مذهبی و نژادی و عشیره ای به دنیا نیامده اند. از قبل ملزم به تبعیت از "نهادها، حکومتها، اشخاص و مراجع و رهبران و امامان و نمادهای مقدس نامیده شده ساختگی" نیستند. ما به عنوان انسان و موجود انسانی به دور از هر قید و بندی پا به زندگی و حیات میگذاریم. به طورطبیعی در سرآغاز زندگی تعلق به "مقدسات" مربوط به هویت‌های کاذبی که بعداً ساخته و پرداخته میشود و به گردنمان آویزان میکنند، نداریم. اگر در محیط آزاد و انسانی بزرگ شویم و مقدسات و هویت‌های کاذب را به تک تک ما انسانها تحمیل نکنند، با همان هویت مشترک انسانی و به دور از تعصب، حیات اجتماعی و سیاسی و آموزشی را طی میکنیم و سعی میکنیم سرنوشت خود را در دست بگیریم. اما جامعه طبقاتی و طبقات و افکار حاکمه نمیگذارند این روند طبیعی طی شود. از سن معین و جایی معین، از محیط خانواده تا مدرسه و جامعه در همه کشورها و در ایران هم، عمدتاً هویت ملی و یا مذهبی

مقدسات نداریم

در حاشیه محاکمه نسرین شاکرمی مادر
نیکا شاکرمی به اتهام "توهین به مقدسات"

رحمان حسین زاده

و دسته بندی های جعلی و "مقدسات" ساخته شده نمی توان قدم برداشت.

هر حرکتی را "برخی" به عنوان توهین به دیگری حساب میکنند و مبنای کشمکش و جدال و خونریزی می شود و شده است. دنیا را نگاه کنید و در همین اروپا و در این فضای نسبتاً آزادتر، کاریکاتوری از محمد رهبر مسلمانان کشیدند، بعد انواع تهدیدها و کشمکشها در این کشورها، به بهانه "توهین به مقدسات مسلمانان" در دانمارک و هلند پیش آمد و جریانات اسلامی به میدان آمدند و شاخ و شانه کشیدند. چند سال قبل تروریستهای اسلامی با بهانه مشابه به دفتر تحریریه شارلی ابدو حمله کردند و متأسفانه دوازده نفر از کارکنان آنرا را کشتند. در این فضای خرافی در مورد هر مسأله ای صحبت کنیم به "مقدسات" عده ای توهین شده است.

کاریکاتور پیامبر کشیدن توهین به "مقدسات" عده ای است. اکنون حق طلبی نسرین شاکرمی توهین به "مقدسات" جمهوری اسلامی است. طنز و نقد شاهان ستمگر ایران توهین به "مقدسات" ناسیونالیسم ایرانی و مشروطه طلبان و جناب رضا پهلوی است. صحبت درباره بند و بست سران ناسیونالیسم کرد توهین به "کردها" است.

طنز ترکی گفتن توهین به "ترک" هاست. در این دنیای "مقدسات" چیزی که اسارت پیدا می کند تحرک و تپش جامعه و انسان است. در این فضای مسموم، نه تنها اعتراض سیاسی و حق طلبی، بلکه نقد و کاریکاتور کشیدن، جوک گفتن، طنز، تئاتر و فیلم و نقد و هجو کردن سمبلهای مختلف موجود در جوامع به فاجعه تبدیل می شود.

در جامعه هارمونیک و نرمال و آزاد، زمانی که این "هویتهای کاذب مقدسات" وجود نداشته باشد همه خود را براساس هویت انسانی تعریف می کنند. در این شرایط ابتکاراتی چون طنز، کاریکاتور و نقد و هجو و غیره بعنوان تفریحات شنیده می شود و جامعه هم این را می پذیرد. لذا بنا به منافع طبقات حاکم و استثمارگر "مقدسات" متکی به هویت سازی قومی و مذهبی و خرافی در راستای حفظ حکومتهای ضد انسانی بر جامعه تحمیل میشوند. به این سیکل خرافی و ضد انسانی میتوان و لازمست پایان داده شود.

باید اعلام کرد "مقدسات" نداریم. حکومت و قانون و دم و دستگاه اداری و سیاسی و قضایی مقدس نداریم. جامعه ای میتواند آزاد و ایمن باشد که اعلام کند "مقدسات" ندارد. داده های اجتماع را اعم از واقعی یا غیر واقعی در هاله ای از تقدس نیچد و دور آنها خط قرمز نکشد. هر پدیده اجتماعی و فرهنگی و مذهبی و سیاسی را قابل نقد، طنز، هجو و جوک بداند، حول کدها و سمبلهای ظاهراً "مقدس" خط قرمزی وجود ندارد و با رساترین شیوه باید مورد نقد و هجو و طنز قرار بگیرند و طبعاً مدافعین این خرافه ها به جای نفرت

پراکنی و ایجاد تفرقه و تهدید فردی و جمعی در همان ظرفیت سیاسی و فرهنگی و گفتاری و نوشتاری پاسخ دهند. جامعه آزاد جامعه ایست که تحمل شنیعترین حرفها و پاسخ به آن را به دور از تهدید فیزیکی و ایجاد نفرت داشته باشد. پیش شرط اینکار منسوخ اعلام کردن "مقدسات و تابوها" و مذموم اعلام شدن هر نوع نفرت پراکنی، تهدیدات فیزیکی به بهانه "مقدسات" است.

نکنه آخر مرز بین توهین و افترا را با طنز و هجو و نقد و کاریکاتور ... در باره "مقدسات" باید شناخت و به درستی از هم تشخیص داد. افترا به فرد حقیقی و حقوقی ممنوع است و هر قانون نسبتاً پیشرو در دفاع از حرمت شهروندان آنرا ممنوع و قابل تعقیب میداند. اما به بهانه توهین نمیتوان و نباید دامنه ابراز وجود اجتماعی و سیاسی انسانها را قالب زد و محدود کرد. اگر داعیه "مقدسات" و سپس توهین را با روایت مذهبیون و ملی گرایان و ناسیونالیستها بپذیریم، آنوقت باید دهن همه مردم را ببندیم. چون به زعم آنها هر نقد و طنز و حرف و اظهار نظر کسی میتواند توهین به "مقدسات" دیگری تلقی شود. این رفتار و نگرش را نیروهای پیشرو اجتماعی و کمونیستها باید به خودآگاهی توده وسیع شهروندان جامعه تبدیل کنند، نه اینکه خود به توجیه گر "مقدسات و هویتهای کاذب و توهین به آنها" تبدیل شوند.

نوامبر ۲۰۲۴



حسین علیرضا علیرضا میلاد نوید امیرمحمد
نعمتی برمرزپورناک کفای آرمن نجاران خوش اقبال

شش متهم پرونده اکباتان به اعدام محکوم شدند

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

علیه صدور حکم اعدام برای وریشه مرادی



وریشه مرادی

بازداشت: ۱۰ مرداد ۱۴۰۲
حکم: اعدام

پخشان عزیزی

بازداشت: ۱۳ مرداد ۱۴۰۲
حکم: اعدام

حکم اعدام وریشه مرادی فعال سیاسی زندانی روز یکشنبه ۲۰ آبان توسط جنایتکار شناخته شده و منفور ابولقاسم صلواتی به اتهام واهی "بغی" صادر شده است. به روال کار همیشگی بیدادگاههای جمهوری اسلامی وریشه مرادی و وکلایش فرصت دفاع از خود و رد اتهامات وارده را نداشته اند. در کیفرخواست اولیه همین بیدادگاه اسلامی حکم زندان برای وریشه مرادی در خواست شده بود که اکنون صلواتی جلا داد به حکم اعدام تغییرش داده است.

وریشه مرادی اواسط تابستان ۱۴۰۲ دستگیر میشود. چند ماه در سلول انفرادی و زندان وزارت اطلاعات، با شکنجه و اذیت و آزارسخت روبرو بود. به دستور صلواتی جانی مدتها از حق ملاقات با خانواده اش نیز محروم شد. رژیم سرپا جنایتکار اسلامی بر بطن عمیق تر شدن هر چه بیشتر بحرانها و معضلات متعدد گریبانگیرش به روش جنایتکارانه همیشگی اش به تشدید سرکوب و فشار همه جانبه علیه شهروندان اقدام میکند.

در این رابطه در یکسال گذشته با اعدام صدها انسان بر موج اعدامهای خود افزوده است. در این رابطه در دو هفته اخیر اعدام جمشید شارمهد و اعدام تعداد دیگری از فعالین سیاسی و یا زندانیان عادی و صدور حکم اعدام برای فعال سیاسی و زن مبارز پخشان عزیزی به نفرت و انزجار و اعتراض بیشتر علیه سرپای جمهوری اسلامی دامن زده است. جمهوری اسلامی با خیال واهی فکر میکند، با گسترش اعدام و زندان و سرکوب میتواند جامعه را مرعوب کند. اما خیزشهای اعتراضی کوبنده و گسترده سالهای اخیر از جمله دردی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و تداوم آن به مدت چند ماه و اکنون ادامه هر روزه اعتراضات پرستاران، بازنشستگان، معلمان و... اعتصابات کارگری ماههای اخیر و نبرد فردی و جمعی قابل تحسین زندانیان سیاسی از درون سلولها و بند اسارتگاههای جمهوری اسلامی خط بطلانی بر سیاست ارباب جمهوری اسلامی کشیده است.

در این راستا و برای مثال روز یکشنبه ۲۰ آبان، زنان مبارز در زندان اوین در اعتراض به صدور حکم اعدام وریشه مرادی و پخشان عزیزی هم بندشان، تجمع اعتراضی بر پا کردند و با سردادن شعارهای کوبنده از جمله: "نه تهدید نه اعدام دیگر اثر ندارد - جمهوری اعدامی یک خواب خوش ندارد"، "پخشان - وریشه، بند زنان هم صدا، هم پیمان، تا لغو حکم اعدام، ایستاده ایم تا پایان"، "وریشه مرادی، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد - حکومت اعدامی نابود باید گردد"، "صدور حکم اعدام، انتقام حاکمان، از زنان کردستان، تا هر کجا در ایران"، و شعارهای دیگر نشان دادند که اعدام نمی تواند هراسی ایجاد کند و آنان را از مطالبه لغو اعدام و دیگر مطالباتشان باز دارد.

سران جنایتکار اسلامی خامنه ای و پزشکیان و اژه ای و قالیباف و سران سپاه متوجه اند علیرغم موانع و محدودیتهای فراوانی که رژیمشان ایجاد کرده گسترش اعتراضات و مبارزات انقلابی و قدرتمند شدن بیشتر جنبش سرنگونی علیه کلیت نظامشان مسیر پیشروی امید بخشی را طی میکند و سرکوب و زندان و اعدام نمیتواند جمهوری اسلامی به بن بست رسیده را نجات دهد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست صدور حکم اعدام برای وریشه مرادی و قبلتر برای پخشان عزیزی را قویاً محکوم میکند. تا هم اکنون صدور این احکام در داخل و خارج و درون زندان موجی از انزجار و اعتراض آزادیخواهان را موجب شده و تردیدی نیست با اعتراضات گسترده تر روبرو خواهد شد. ما از همه آزادیخواهان و برابری طلبان در داخل و در سطح بین المللی میخواهیم با ابتکارات اعتراضی موثر و با شعارهای "لغو مجازات اعدام" و "آزادی زندانیان سیاسی" و خواست "لغو احکام اعدام وریشه مرادی و پخشان عزیزی و آزادی آنها" بر جمهوری اسلامی فشار بگذارند. باید کاری کنیم به همان شیوه که مجبور شدند، حکم اعدام شریفه محمدی را لغو کنند، احکام صادر شده اخیر علیه وریشه مرادی و پخشان عزیزی و دیگر زندانیانی که با احکام اعدام روبرویند، لغو گردد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۲ نوامبر ۲۰۲۴

۲۲ آبان ۱۴۰۳

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اسرائیل و بی تفاوتی نسبت به بیش از ۷۵ سال ظلم و ستم نسبت به مردم فلسطین و قتل عام و نسل کشی یک سال اخیر آنان نمی باشد. واقعیت این است که حل عادلانه مسئله فلسطین عملاً تبدیل به یکی از مبرمتربن چالشهای کلیت خاورمیانه و جهان شده است.

به جنگ نه بگوئیم، سیاستهای جنگ طلبانه و میلیتاریستی را محکوم کنیم، و برای برقراری عدالت، آزادی، برابری و صلح پایدار و کلیه ملزومات آن بکوشیم.

#نه-به-جنگ

به امید برقراری عدالت و صلح در سراسر جهان

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۰ آبان ۱۴۰۳



زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

ضرورت آتش بس فوری و پایدار در منطقه

مردم ستم دیده خاورمیانه نیاز فوری به آتش بس دائمی و پایدار دارند. جنگ ویرانگر در غزه، که تا کنون به کشتار بیش از ۴۳ هزار نفر، عمدتاً کودک، زن و مرد غیر نظامی، انجامیده است، و جنگ خانمان برانداز در لبنان که تا کنون به کشتار حدود ۳ هزار نفر و آوارگی بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر منجر شده است باید فوری خاتمه یابند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه همصدا با شکل های کارگری و انسان دوست جهان خواهان آتش بس فوری و پایان دادن به جنگ و محاصره غزه و خروج ارتش اسرائیل از کلیه مناطق اشغالی در فلسطین و لبنان و پایان مناقشات نظامی و اقدامات تلافی جویانه بین دولتهای ایران و اسرائیل می باشد.

طبقه کارگر، جنبش کارگری و مردم محروم همواره گوشت دم توپ جنگهای منطقه ای و یا نزاعهای قدرتهای جهانی بوده اند و بیشترین هزینه های انسانی، اقتصادی و سیاسی را داده اند. در چنین بستری، جنگ و فضای جنگی هیچگونه منفعت کوتاه مدت و یا بلندمدتی برای ما کارگران ندارد و نه تنها باز هم از خانواده های کارگری و زحمتکش قربانیان بیشتری خواهد گرفت بلکه وضعیت معیشت مان و فقر و غارت اموال عمومی را بمراتب بدتر خواهد کرد و سرکوب و بی حقوقی هر چه بیشتری نیز به بهانه وضعیت جنگی به ما تحمیل خواهد گردید و در عین حال بودجه و هزینه های نظامی و تسلیحاتی صد چندان خواهد شد.

خاطره تلخ جنگ ایران و عراق کماکان در خاطره جمعی ما کارگران باقی مانده است. یادمان نرفته است که در دوران جنگ چگونه تمامی تشکلات مستقل کارگری توسط حاکمیت متلاشی شدند، کارگران فعال متعلق به سندیکاها و شوراهای مستقل کارگری اخراج، بازداشت و روانه زندانها شدند و هزاران جوان عمدتاً از خانواده های کارگری بدون هرگونه وجهه قانونی و انسانی اعدام شدند، یادمان نرفته است که کارگران و فرزندان خانواده های کارگری در جبهه های جنگ جان باختند و همزمان کارگران کشور شرایط بی حقوقی تحمیلی را به اجبار پذیرفتند و هرگونه اعتراضشان با سرکوب و بگیر و ببند روبرو شد. همچنین یادمان نرفته است که پس از جنگ، "دوران سازندگی" با حمایت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بر دوش ما کارگران و با تهاجم گسترده دولت و سرمایه داران به طبقه کارگر آغاز و ادامه یافت.

ما بعنوان بخشی از جنبش مستقل کارگری در ایران همانطور که همواره مورد حمایت های بین المللی توسط کارگران کشورهای دیگر بوده ایم، وظیفه داریم که از کارگران و مردم زحمتکش و تحت ستم در منطقه و سراسر جهان نیز حمایت کنیم. هر درجه از اعتراض برحق و انزجار ما کارگران و مردم تحت ستم نسبت به اقدامات سرکوبگرانه داخلی حاکمیت در ایران و یا سیاستهای بین المللی آن توجیه گر اقدامات و سیاستهای میلیتاریستی حکومت

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!



نمی خورد. این عمدتاً درد مردم عادی و مناطق محروم و پائین شهری است. جواب این وضع کوبیدن نظام مسبب فقر و گرانی و بیکاری و بیماری است. الان مشخصه جامعه ایران نفرت از حکومت و خشم وسیع از وضع موجود است. بالائی ها نیزه هایشان را تیز می کنند و پائینی ها برای نبرد دندان قروچه می کنند. این همه مشقت، نه فقط استیصال و محافظه کاری و ترس از مشت آهنین ببار نیاروده، بلکه جرمی گسترده و انفجاری از خشم و اعتراض را ایجاد کرده است. جامعه ایران پیچیده و بسیار چند وجهی است، اما دیدن این خشمی که آماده فریاد شدن و حمله به حکومت است، سخت نیست. مشکل برق و یا اضافه شدن برق به مشکلات، جوابی جز جاری شدن این خشم وسیع ندارد. این خشم بناگزر در ابعاد گسترده و سراسری جاری می شود و اینبار باید بانی کلیه مشقات کنونی را بر زمین بکوبد.

۱۴ نوامبر ۲۰۲۴

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

www.hekmatist.org

۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲ سرداری
۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰ پروین کابلی
۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹ رحمان حسین زاده
۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷ ملکه عزتی

حزب کمونیست کارگری ایران - Hekmatist
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400 BIC: DNBNOKKXXX

Bank: DNB

قطعی های مکرر برق،

“هوای پاک” یا جیب سپاه و دولت؟

سیاوش دانشور

رسانه های رژیم اسلامی خبر دادند که جلسه ای با عنوان “بررسی راهکارهای رفع ناترازی برق و توسعه نیروگاه های تجدیدپذیر” به ریاست مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری و با حضور رئیس دفتر رئیس جمهور، وزیر نیرو، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و تعدادی از مدیران بخش خصوصی و سرمایه گذاران فعال در حوزه ساخت نیروگاه های برق برگزار شد، جلسه ای که بنا بر اعلام نهاد ریاست جمهوری ایران به صدور دستور رئیس جمهوری برای “رفع موانع پیش روی سرمایه گذاران صنعت برق” منجر شد. نتیجه این جلسات و تدابیر حکومتی به قطع برق روزانه و چند ساعت منجر شد. عده ای از دولتی ها هم گفتند نیروگاه هایی که مازوت میسوزانند، تعطیل میشود تا در ازای مقداری قطع برق هوای تازه داشته باشیم!! یعنی منت هم گذاشتند که “در فکر محیط زیست و سلامت مردم” هستند!

قطعی های سابق و رایج برق سرعت عجیبی یافته و قطع چهار الی هشت ساعته برق، ضررهای مالی و جانی و مشکلات فراوانی برای مردم در خانه و محل کار و بیمارستان ببار آورده است. وضعیت غیرقابل تحمل شده است. قطعی های مشابه در تیرماه سه سال قبل، به اجتماعات و اعتراضات به قطع مکرر و طولانی برق در شهرها و شهرستانهای بندرگز، جویبار، فریدون کنار، اسلام شهر، حسن آباد فشافویه، بهنمیری (مازندران)، کازرون، پاکدشت، قائمشهر، شهری، بابل، بابلسر و شهرخام (گیلان) منجر شد که در مواردی معترضان به اشغال اداره برق مبادرت کردند. اینبار نیز میتوان و ضروری است با اعتراض و اعتصاب علیه سیاست دولت بمیدان آمد.

قطعی برق در این ابعاد هیچ توجیهی ندارد، برق وارداتی و یا تحریم نیست، برق به وفور از جمله به عراق صادر می شود، یعنی تولید و تامین نیاز داخلی با مشکل جدی نباید روبرو باشد. درعین حال میزان نجومی و صدها برابر نیازهای یومیه مردم، برق برای استخراج بیت کوین (مزارع استخراج رمز ارز) استفاده می شود. شبکه بیت کوین در ایران بدون تردید تحت نظر افراد بالای نظام و سپاه پاسداران اداره میشود. گسترش بشدت مشکوک اماکن “مجاز” و “غیر مجاز” بیت کوین، از یک پروژه مالی حکومت سخن میگوید. این یک منبع و عامل اصلی قطع مکرر و طولانی برق است و دولت و وزارت نیرو مسئول مستقیم تمام صدمات و مشکلات ناشی از آن است. در واقع حکومت برق فروشی را هم حاضر نیست به مردم بدهد و آنجا هم که به قیمت گران میدهد، باز مردم را آزار میدهد و باز جیب شان را می زند.

نان گران شد، آب آشامیدنی و سالم یافت نمی شود، ایران با مشکل آب مواجه است، جنگ آب هم پشت در است، و حال قطعی های طولانی و مکرر برق! اینها البته مشکلات مناطق مرفه و بالای شهر و ویژه پولدارها نیست، سهل است، چه بسا خبر آن هم به گوششان

اعدام قتل عمد دولتی است!

در یک نگاه

بیعت کنندگان با ترامپ در اپوزیسیون راست
پروغربی

رحمان حسین زاده



طرحهای ارتجاعی از بالای سر مردم خواهد بود. روند رشد حرکت اعتراضی کارگران و مردم، تناقضات و تنشهای درونی رژیم اسلامی، صف بندی و تحرک جنبشهای سیاسی حاضر در جامعه، معادلات سیاسی کنونی را تغییر خواهد داد. در چنین روندی افشاء و ایزوله کردن طرحهای ارتجاعی اپوزیسیون راست به طور جدی و ناگزیر در دستور کار مستقیم تر مبارزات صف آزادیخواه و قطب چپ جامعه قرار خواهد گرفت.

نوامبر ۲۰۲۴

رضا پهلوی به نمایندگی از سلطنت طلبان و مشروطه خواهان زودتر از بقیه جریانات راست پروغربی با ترامپ بیعت کرد. برای کسی که خود را در رأس اپوزیسیون راست میداند، به عنوان نفر اول پیام تبریک ارسال کردن به بارگاه ترامپ "نجات دهنده شان" قابل انتظار بود. او امیدوار است ترامپ راسیست "تاریخ ساز شود و با کمک به پایان دادن تهدید جمهوری اسلامی میراثی از صلح پایدار به جای بگذارد".

در جبهه ناسیونالیستها و فدرالیستها کردستان نیز، عبدالله مهتدی شکست خورده از نمایش رسوای "ائتلاف جرج تاون" مثل اینکه از آن تجربه ناکام درس نگرفته و دوباره و به روال همیشگی اش ذوق زده، جلوتر از بقیه فدرالیستها، پریده وسط میدان و ضمن بیعت خالصانه با ترامپ امیدوار است "روابط دوستانه دولت ایالات متحده و جامعه کرد در ایران تقویت شود و مشتاقانه منتظر حمایت ترامپ از آرمانهای مردم ایران برای آزادی و صلح و ثبات است"

از نظر مردم حق طلب و آزادیخواه ایران و کردستان، از منظر توده وسیع مردمی که در یکسال گذشته حمایت بی اما و اگر دولت آمریکا را از نسل کشی و قتل عام جمعی هزاران انسان را در غزه و لبنان توسط فاشیسم حاکم در اسرائیل دیده اند، از نگاه مردم آگاه که فاجعه و مصائب و سناریوهای سیاه حاصل دخالتهای دولت آمریکا را در عراق و افغانستان و لیبی و... دیده اند، لیبیک گفتن های امثال رضا پهلوی و مهتدی و امیدواربهای کاذب کل طیف راست پروغربی به ترامپ، موجب نفرت و انزجار از این سیاستهای بشدت ارتجاعی و پیشقراولانش خواهد شد. ما این لیبیک گفتن های صف ارتجاع را ثبت میکنیم تا روزی پاسخگوی همراهی شان با راسیسم عروج کرده در آمریکا و جهان باشند. به علاوه در همین رابطه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در بخشی از اعلامیه خود تحت عنوان "انتخاب ترامپ و تحرک ارتجاعی اپوزیسیون راست" به درست تأکید کردیم:

"روند آتی اوضاع سیاسی در ایران درس جدید و ناکامی مجددی را به اپوزیسیون راست در تعقیب اهداف ارتجاعی شان خواهد داد. کشمکش قدرتهای جهانی، تحولات پیچیده خاورمیانه، تداوم سیر نزولی موقعیت دولت آمریکای مورد اتکای آنها و شکستهای تاکنونی اش در خاورمیانه، آگاهی و هوشیاری موجود در جامعه ایران و در سطح اپوزیسیون رادیکال و کمونیست در قبال سناریوی دخالتگری امپریالیستی، موانع جدی چنان طرحهای ارتجاعی برای آینده ایران است. برخلاف تبلیغات ریاکارانه این جریانات، ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا با وجود احتمال در پیش گرفتن سیاست سختگیرانه تر، نه قصد "تغییر رژیم" بلکه "رام کردن و معامله" با جمهوری اسلامی را دارند. بعلاوه فضای سیاسی زنده جامعه ایران، وجود جنبشهای اجتماعی رادیکال و پتانسیل گسترش ابراز وجود طبقه کارگر و قطب چپ و کمونیست جامعه مانع مهمی در مقابل متحقق کردن چنان



اسلام و اسلام زدایی
منصور حکمت
ژانویه ۱۹۹۹

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبینش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>www.hekmat.com

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400 BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

فرانسه در آستانه اعتصاب

بنا به اخبار رهبران کارگری در فرانسه، روز ۲۱ نوامبر چنانچه دولت به خواست کارگران راه آهن تن ندهد، اتحادیه های کارگری وارد اعتصاب خواهند شد و اگر دولت در این مدت به خواسته های آنها جوابی ندهد اعتصاب نامحدود از ۱۲ دسامبر شروع خواهد شد. رهبری اتحادیه ها در تلاشند که واحدهای تولیدی بیشتری وارد اعتصاب شوند و دور یک استراتژی مشترک برای اعتصاب سراسری متقاعد شوند و در جواب دولت یک ضد حمله ای را سازمان دهیم. اعتصاب کارگران راه آهن اساسا برعلیه برنامه های اقتصادی دولت فرانسه و صاحبان شرکت ها میباشد که تصمیم گرفته اند بخش حمل و نقل راه آهن را بطور کلی از ۳۱ دسامبر ببندند و این بخش یعنی بخش حمل و نقل راه آهن را به بخش خصوصی واگذار کنند. همزمان اعتصابات در کارخانه های شیمیایی مانند میشلین برعلیه محدودیت و کاهش پرسنل آغاز شده است. دولت برای تصویب بودجه سال ۲۰۲۵ دارای مشکل جدی میباشد و از اکثریت ضعیفی برخوردار است. دولت در بودجه سال آینده می خواهد از بودجه بخش خدمات عمومی بکاهد. بطور مثال یکی از موارد جدال تعطیلات عمومی میباشد که دولت در پی کاهش آن است. کشاورزان هم در حال سازماندهی خود برعلیه "قرارداد مکرون - اروپای متحد" هستند و به نظر میرسد که سرعت در حال آماده شدن باشند. بطور کلی جبهه های جدیدی برعلیه دولت مکرون در حال باز شدن است.

اعتراض بازنشستگان ۱۴۰۲ مقابل وزارت آموزش و پرورش

روز یکشنبه ۲۰ آبان در تهران، بازنشستگان ۱۴۰۲ مقابل وزارت آموزش و پرورش در تهران دست به تجمع زدند. ۷۵ هزار فرهنگی بازنشسته سال ۱۴۰۲ نسبت به وایز نشدن ۶۰ درصد پاداش پایان خدمت خود اعتراض دارند. در این اعتراض که بصورت سراسری صورت گرفت، حدود هزار نفر از معلمان بازنشسته از سراسر کشور به تهران آمدند. بازنشستگان می گویند: "۴۰ درصد از پاداش پایان خدمت ما که معادل ۲۰۰ میلیون تومان است، در تابستان امسال واریز شد؛ اما ۶۰ درصد باقی مانده که حدود ۲۰۰ میلیون تومان می شود، هنوز پرداخت نشده است. وعده واریز این مبلغ در اوایل آبان ماه نیز عملی نشد." نظر به اینکه هر روز ارزش ریال سقوط میکند، تأخیر در پرداخت پاداش ها، باعث بروز مشکلات اقتصادی در زندگی این بازنشستگان شده است. در این اجتماع شعارهایی مانند؛ "وعده ها پوشالیه، دستهای ما خالیه"، "به مسئولین شیب، نمی کنیم اعتماد"، "وعده زیاد شنیدیم، عدالتی ندیدیم" سر داده شد. وزارت آموزش و پرورش اما پاسخی به معترضان نداد و بازنشستگان پس از دریافت نکردن پاسخ به سمت نهاد ریاست جمهوری حرکت کردند. روز دوشنبه این بازنشستگان در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع گرفتند و این سازمان نیز پاسخی با بازنشستگان نداد. بازنشستگان در مسیر خود در متروی تهران نیز تظاهرات کردند و شعار دادند.

اجتماعات بازنشستگان در شوش و کرمانشاه و اصفهان

روز یکشنبه ۲۰ آبان، بازنشستگان فولاد در اصفهان تجمع کردند. در همین روز در شوش و هفت تپه، کارگران بازنشسته روبروی فرمانداری شوش در اعتراض به تورم، فقر، فساد و گرانی، اعتراض به غارت و

دزدی، در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و اعتراض به تبعیض و نابرابری، تجمع و اعتراض کردند. در این تجمع شعارهای؛ "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "پرستار زحمتکش حمایت می کنیم"، "پرستار، بازنشسته، اتحاد اتحاد"، "کارگر، بازنشسته اتحاد اتحاد"، "برای رفع تبعیض، اتحاد اتحاد"، "گرانی تورم حاکم شده تو بازار" و "ننگ ما ننگ ما، صدا و سیمای ما" سر دادند. همینطور بازنشستگان در کرمانشاه، با برپائی تجمع اعتراضی پیگیر خواسته های برحق خود شدند و شعارهایی مانند؛ "دزدی، غارت، چپاول، به اسم همسانسازی"، "همسانسازی کجا بود، دروغ، تزویر، ریا بود"، "تامین اجتماعی از انحصار دولت آزاد باید گردد"، "درد ما درد شماست مردم بما ملحق شوید"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد" و "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد" سر دادند.

اجتماع پرسنل آزمایشگاه و رادیولوژی قزوین

روز یکشنبه ۲۰ آبان، پرسنل آزمایشگاه و رادیولوژی بیمارستان ولایت قزوین برای پیگیری خواسته هایشان دست به تجمع و اعتراض در محیط بیمارستان زدند.

اجتماعات پرستاران اعتصابی در فسا و یاسوج

روز دوشنبه ۲۱ آبان، کارمندان اورژانس ۱۱۵ در شهر فسا دست به تجمع اعتراضی زدند. در هفته گذشته بخشهای مختلف اورژانس فسا در اعتصاب بوده است و هر روز اجتماعات اعتراضی مقابل ورودی اورژانس برگزار شده است. کارمندان اورژانس ۱۱۵ در فسا، به مشکلات معیشتی، کم بودن حقوق و اضافه کار اجباری اعتراض دارند. در یاسوج روز سه شنبه ۲۲ آبان، پرسنل بیمارستان امام سجاد دست به تجمع اعتراضی مقابل بیمارستان زدند.

اجتماع گسترده معلولان مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران

روز دوشنبه ۲۱ آبان، بخشی از افراد دارای معلولیت (جسمی- حرکتی، نابینا، ناشنوا) و خانواده های آنها با حضور در مقابل سازمان برنامه و بودجه، تجمع اعتراضی گسترده ای برگزار کردند. این گروه با شعارهایی خواستار اجرایی شدن کامل ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان شدند؛ قانونی که از سال ۹۷ تاکنون به صورت کامل به اجرا نرسیده است. طبق ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان، دولت موظف است به معلولان واجد شرایط، کمک هزینه معیشتی معادل حداقل دستمزد سالانه پرداخت کند. با این حال، دولت ها به کمک مجلس این قانون را به دلخواه تفسیر کرده و مبلغ ناچیز ۴۸۰ هزار تومان را به عنوان کمک هزینه ماهانه تعیین کرده اند؛ رقمی که به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای معیشتی معلولان نیست.

اجتماعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات

روز دوشنبه ۲۱ آبان، در شهرهای ایلام، تبریز، سنندج، اصفهان، کرمانشاه، تهران و ... اجتماعات بازنشستگان مخابرات در اعتراض به ستاد اجرایی و تعاون سپاه (مالکان شرکت مخابرات) برگزار شد. این اجتماعات هر هفته برگزار میشود.

اعتصاب و تجمع کارکنان پتروشیمی آبادان

روز دوشنبه ۲۱ آبان، کارکنان پتروشیمی آبادان اعتصاب کردند و دستجمعی با خروج از پالایشگاه مقابل فرمانداری تجمع کردند. در آغاز سال جاری مجمع عمومی سالیانه سهام داران ضمن اعلام بدهی ۱۲۰۰ میلیارد تومانی، مجتمع پتروشیمی آبادان را ورشکسته اعلام کرده بود. این بدهی امروز به ۳۲۰۰ میلیارد تومان رسیده است. کارگران نگران وضعیت شغلی خود هستند.

تجمع اعتراضی مینی بوس داران کرمان

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

پول خود نیز نرسیده‌اند.

هزینه فیلترینگ سالی یک میلیارد دلار است علی‌رغم بازجوی سابق، سخنگوی دولت روحانی و دستیار کنونی پزشکیان در امور اجتماعی، اعلام کرد که برای سانسور مردم و شبکه های مجازی، جمهوری اسلامی سالانه یک میلیارد دلار هزینه میکند. او از صرف هزینه زیاد و بی تأثیری آن سخن گفت!

در سالروز آبانماه ۹۸ اینبار ریشه تان را میسوزانیم! سیاوش دانشور

خیزش آبان ۹۸ جنبش طبقه ما بود، فریاد کارگران و محرومان و حاشیه نشینان و نسل جدید عاصی از اسلام و سرمایه بود. نبردهای اساسی تازه آغاز شده است. به استقبال سالروز خیزشهای شکوهمند آبانماه میرویم، یاد عزیزان جانباخته را گرامی میداریم و برای آزادی آسرایمان تلاش کنیم. ما ناگزیریم که سنگرها را مجدداً در پهنه جامعه بیا کنیم و جنگ تمام نشده را تمام کنیم. اینبار افق تغییر انقلابی و سوسیالیستی کارگر برای آزادی جامعه، پرچم اعتراض علیه حکومت فقر و اعدام برافراشته تر است. رژیم اسلامی در یکی از این نبردها بزیب کشیده میشود، "آبان" ها و امواج انقلابی دیگر در کمین اند، اینبار ریشه تان را میسوزانیم!

۱۴ نوامبر ۲۰۱۴

روز دوشنبه ۲۱ آبان، مینی بوس داران کرمان در اعتراض به همسان سازی کارت‌های سوخت، مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. معترضان میگویند سهمیه‌های تخصیص یافته با نیاز واقعی آنها همخوانی ندارد.

اعتصاب و اجتماع کارگران ارکان ثالث و پالایشگاه ها
روز سه شنبه ۲۲ آبان، کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکتهای پیمانکاری پالایشگاه های؛ سوم، پنجم، هفتم، نهم، دهم و دوازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی برای پیگیری خواستههای خود دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند.

اعتراض و تحصن در دانشگاه ها علیه قتل یک دانشجوی
روز سه شنبه ۲۲ آبان، دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر طوسی در پی درگذشت یک دانشجو بر اثر اهماال کاری مسئولین خوابگاه، دست به تجمع و اعتراض زدند. دانشجویان پردیس رضایی نژاد تحصن و دانشجویان پردیس سیدخندان نیز در واکنش مشابهی دست به تحصن و اعتراض زدند. امیرمهدی چگینی دانشجوی کارشناسی رشته شیمی کاربردی ورودی ۱۴۰۳ دانشگاه خواجه نصیر پس از سقوط در خوابگاه پسرانه دانش ۱ به دلیل ضربه مغزی و خونریزی شدید در پی تأخیر اورژانس پس از چند عمل ناموفق در شب گذشته، صبح روز سه شنبه ۲۲ آبان جان خود را از دست داد. دانشجویان حراست را مسئول مرگ این دانشجو میدانند.

اجتماع اعتراضی مردم در بیدخون
روز سه شنبه ۲۲ آبان، مردم بیدخون در شهرستان عسلویه، در اعتراض به ساخت تصفیه خانه فاضلاب صنعتی در جوار این شهر، در محل ساخت تصفیه خانه فاضلاب صنعتی که در ورودی شهر است اعتراض کردند. مردم میگویند "بیدخون آلوده است، آلوده ترش نکنید!"

یاسوج، قتل یک پزشک؛ مسعود داوودی
یک پزشک بنام مسعود داوودی شامگاه دوشنبه بیست و یکم آبان در مقابل خانه اش با ضرب گلوله به قتل میرسد. روز دوشنبه ۲۲ آبان در مراسم تشییع مسعود داوودی، پزشک و متخصص قلب و عروق، مردم یاسوج وسیعاً شرکت کردند. همینطور روز سه شنبه ۲۲ آبان، تعدادی از پزشکان در یاسوج در اعتراض به قتل پزشکان اجتماع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع مال باختگان توسط دو شرکت ریگان خودرو و شهر خودرو
روز سه شنبه در تهران، بخشهایی از مردم مال باخته مقابل مجتمع قضایی ویژه جرایم اقتصادی تهران تجمع کردند. این افراد توسط شرکت "ریگان خودرو" و "شهر خودرو" اموالشان بالا کشیده شده است و با گذشت دو سال از صدور حکم دیوان عالی کشور، هنوز به حقوق خود نرسیده‌اند. این افراد در سال ۱۳۹۷ با پرداخت مبالغی بین ۳۳۰ تا ۴۶۰ میلیون تومان، از این دو شرکت خودرو خریداری کرده بودند و قرار بود که پس از شش ماه خودروهای خود را دریافت کنند. پس از گذشت شش سال و با وجود پرداخت مبالغ بیشتر، نه تنها هنوز هیچ خودرویی به آنها تحویل داده نشده است، بلکه حتی به اصل



PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

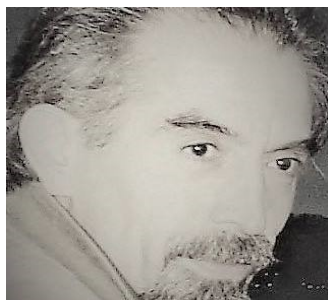
برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۷۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۳:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

صفحه آخر

در سالروز آبانماه ۹۸ اینبار ریشه تان را میسوزانیم! سیاوش دانشور



جمهوری اسلامی در فضای کووید نفسی کشید و کرونا را به عامل کشتار عامدانه و مرگ زیر عنوان "پاندمی" تبدیل کرد. اما آتش زیر خاکستر آبان در ۱۴۰۱ زبانه کشید، باز سرکوب شد و باز تن نداد و هر روز در اعماق قد می کشد.

رژیم اعدامی و قاتل ۱۵۰۰ نفر در آبان، بمناسبت سالروز آبان در تلاش برای اعدام بچه های اکباتان؛ میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیرمحمد خوش اقبال، نوید نجاران، حسین نعمتی و علیرضا برمرزپورناک، متهمان پرونده موسوم به "شهرک اکباتان" است که با حکم شعبه ۱۳ دادگاه کیفری تهران، به اعدام محکوم شدند. جمهوری اسلامی با این احکام بزعم خود از خیزش آبان و آسرایش انتقام میگیرد و نفس جامعه را در سینه حبس میکند. کارگران و مردم هم در تلاش برای به گور سپردن جمهوری اسلامی اند. این جنگ جاری است و هنوز تعیین تکلیف نشده است.

امروز پنجشنبه ۲۴ آبان، سالروز خیزش گسترده و توده ای آبانماه ۹۸ است که از دریچه افزایش دو برابری قیمت بزنین بروز کرد. یک برآمد توده ای عظیم برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی که واقعیات جامعه ایران و رابطه مردم با حکومت را آنتاگونیزه تر از هر دوره روی صحنه آورد. آبانماه ۹۸ حلقه ای دیگر از خیزش توده ای دیماه ۹۶ و اعتصابات شکوهمند کارگری ۹۷ بود. شکلی از ابراز وجود اجتماعی طبقه کارگر و مردم محروم علیه وضع موجود که به سهم خود معادله سیاست در ایران را دگرگون کرد.

حکومت اسلامی با کشتار سبانه، دستگیری های وسیع و حکومت نظامی، موقتاً توانست سیل خروشان آبان را سرکوب کند اما نتوانست بر آن فائق آید. فقط چند هفته بعد اعتراضات مجدداً شروع شد و شعارهای "۱۵۰۰ کشته آبان ما" و "آبان ادامه دارد"، پیامی بود به حکومت که سرکوب و زندان دیگر نمیتواند دینامیزم جنبشی که راه افتاده است را متوقف کند.

صفحه ۱۳

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!